

# نَظْمُ لَامِيَةِ الْأَفْعَالِ

تأليف:

ابن مالک، جمال الدين ابو عبدالله

وفات:

سال ۶۷۲ هجری قمری

ترجمه و شرح:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### بَابُ الْمَفْعَلِ وَالْمَفْعِلِ وَمَعَانِيهَا

٩٠. مِنْ ذِي الثَّلَاثَةِ لَا يَفْعَلُ لَهُ أَتَتْ بِمَفْعَلٍ لِمَصْدَرٍ أَوْ مَا فِيهِ قَدْ عُمِلَا
٩١. كَذَاكَ مُعْتَلٌ لَمْ مُطْلَقًا وَإِذَا أَلِفًا كَانَ وَأَوَّ بِكَسْرِ مُطْلَقًا حَصَلَا
٩٢. وَلَا يُؤْتَرُ كَوْنُ الْوَاوِ فَاءً إِذَا مَا عْتَلَّ لَمْ كَمَوَّلِي فَارَعَ صِدْقٌ وَلَا
٩٣. فِي غَيْرِ ذَا عَيْنَيْهِ افْتَحَ مَصْدَرًا وَسَوَا هُ أَكْسِرُ وَشَدَّ الَّذِي عَنْ ذَلِكَ اعْتَزَلَا
٩٤. مَظْلَمَةٌ مَطْلَعُ الْمَجْمَعِ مُحَمَّدَةٌ مَدَمَّةٌ مَنْسَكٌ مَضْنَةُ الْبُخْلَا
٩٥. مَزَلَّةٌ مَفْرَقٌ مَضَلَّةٌ وَمَدَبٌ بٌ مُحْشَرٌ مَسْكَنٌ مَحَلٌّ مَنْ نَزَلَا
٩٦. وَمَعْجَزٌ وَبِتَاءٍ ثُمَّ مَهْلَكَةٌ مَعْتَبَةٌ مَفْعَلٌ مِنْ ضَعٍ وَمِنْ وَجَلَا
٩٧. مَعَهَا مِنْ أَحْسَبَ وَضَرَبَ وَزُنَّ مَفْعَلَةٌ مَوْقَعَةٌ كُلُّ ذَا وَجْهَاهُ قَدْ حُمِلَا
٩٨. وَالْكَسْرُ أَفْرَدٌ لِمَرْفِقٍ وَمَعْصِيَةٍ وَمَسْجِدٍ مَكْبَرٍ مَاوٍ حَوَى الْإِبِلَا
٩٩. مِنْ أَثْوٍ وَأَغْفِرُ وَعُذْرٍ وَاحِمٍ مَفْعَلَةٌ وَمِنْ رَزَا وَأَعْرِفِ اظْلُنْ مَنْبِتٍ وَصِلَا
١٠٠. بِمَفْعَلٍ اشْرُقَ مَعَ اغْرُبَ وَأَسْقَطْنَ رَجَعَ أَجْزُ ثُمَّ مَفْعَلَةٌ أَقْدَرُ وَأَشْرُقْنَ مُخْلَا
١٠١. وَأَقْبُرُ وَمِنْ أَرَبٍ وَتَسَّكَ أَرْبَعَهَا كَذَا لِمَهْلِكِ التَّثْلِيثِ قَدْ بُدِلَا
١٠٢. وَكَالصَّحِيحِ الَّذِي أَلْيَا عَيْنُهُ وَعَلَى رَأْيٍ تَوَقَّفَ وَلَا تَعْدُ الَّذِي نُقِلَا
١٠٣. وَكَاسِمٌ مَفْعُولٌ غَيْرِ ذِي الثَّلَاثَةِ صُغِ مِنْهُ لِمَا مَفْعَلٌ أَوْ مَفْعِلٌ جُعِلَا

۹۴. مَظْلَمَةٌ مَطَّلَعُ الْمَجْمَعِ مُحَمَّدَةٌ      مَذْمَةٌ مَنْسِكٌ مَضِنَّةُ الْبُخْلَا  
 ۹۵. مَزَلَةٌ مَفْرَقٌ مَضَلَّةٌ وَمَدَبٌ      بُ مُحْشَرٌ مَسْكِنٌ مَحَلٌّ مِنْ نَزَلًا

۹۴. این کلمات، دو وجهی آمده‌اند که جمعاً ۲۲ کلمه می‌باشند:

معانی آن‌ها	اسم زمان و مکان سماعی	اسم زمان و مکان قیاسی	مصدر سماعی	مصدر قیاسی	فعل مضارع	فعل ماضی
زمان یا مکان ظلم	مَظْلَمَةٌ	مَظْلِمَةٌ	مَظْلَمَةٌ	مَظْلَمَةٌ	يَظْلِمُ	ظَلَمَ
زمان یا مکان طلوع	مَطَّلِعٌ	مَطَّلَعٌ	مَطَّلِعٌ	مَطَّلَعٌ	يَطَّلِعُ	طَلَعَ
زمان یا مکان اجتماع	مَجْمِعٌ	مَجْمَعٌ	مَجْمِعٌ	مَجْمَعٌ	يَجْمَعُ	جَمَعَ
زمان یا مکان ستودن	مُحْمِدَةٌ	مُحْمَدَةٌ	مُحْمِدَةٌ	مُحْمَدَةٌ	يُحْمَدُ	حَمَدَ
زمان یا مکان سرزنش	مَذْمَةٌ	مَذْمَةٌ	مَذْمَةٌ	مَذْمَةٌ	يَذُمُّ	ذَمَّ
زمان یا مکان عبادت	مَنْسِكٌ	مَنْسِكٌ	مَنْسِكٌ	مَنْسِكٌ	يَنْسِكُ	نَسَكَ
زمان یا مکان بخل ورزیدن	مَضِنَّةٌ	مَضِنَّةٌ	مَضِنَّةٌ	مَضِنَّةٌ	يَضِنُّ	ضَنَّ

۹۵. ادامه‌ی کلمات دو وجهی که در این بیت آمده است:

معانی آن‌ها	اسم زمان و مکان سماعی	اسم زمان و مکان قیاسی	مصدر سماعی	مصدر قیاسی	فعل مضارع	فعل ماضی
زمان یا مکان لغزیدن	مَزَلَةٌ	مَزِلَةٌ	مَزَلَةٌ	مَزَلَةٌ	يَزِلُّ	زَلَّ
زمان یا مکان جدا کردن	مَفْرِقٌ	مَفْرَقٌ	مَفْرِقٌ	مَفْرَقٌ	يَفْرُقُ	فَرَقَ
زمان یا مکان گمراهی	مَضَلَّةٌ	مَضِلَّةٌ	مَضَلَّةٌ	مَضَلَّةٌ	يَضِلُّ	ضَلَّ
زمان یا مکان خزیدن	مَدَبٌ	مَدِبٌ	مَدَبٌ	مَدَبٌ	يَدِبُّ	دَبَّ
زمان یا مکان جمع شدن	مُحْشِرٌ	مُحْشَرٌ	مُحْشِرٌ	مُحْشَرٌ	يُحْشِرُ	حَشَرَ
زمان یا مکان سکونت	مَسْكِنٌ	مَسْكِنٌ	مَسْكِنٌ	مَسْكِنٌ	يَسْكِنُ	سَكَنَ
زمان یا مکان نزول به مکانی	مَحَلٌّ	مَحَلٌّ	مَحَلٌّ	مَحَلٌّ	يَحِلُّ	حَلَّ

**تنبیه:**

مَحَلُّ مَنْ نَزَلَا:

ناظم رحمه الله، مَحَلِّ را به (مَنْ نَزَلَا: کسی که فرود آمد) تعبیر آورد تا این که این فعل را خارج کند:

حَلَّ دَيْنُهُ يَحِلُّ: زمان حلول بدهکاریش رسید. زیرا مصدر میمی قیاسی آن به فتح بر وزن مَفْعَل: (مَحَلِّ)؛ و اسم زمان و مکان قیاسی آن به کسر بر وزن مَفْعَل: (مَحَلِّ) آمده و دو وجهی نیست.

## ۹۶. وَمَعْجَزٌ وَبِتَاءٌ ثُمَّ مَهْلَكَةٌ مَعْتَبَةٌ مَفْعَلٌ مِنْ ضَعٍ وَمِنْ وَجَلًا

۹۶. ادامه‌ی کلمات دو وجهی که در این بیت آمده است:

معانی آن‌ها	اسم زمان و زمان و مکان	اسم زمان و مکان قیاسی	مصدر سماعی	مصدر قیاسی	فعل مضارع	فعل ماضی
زمان یا مکان عاجز شدن	مَعْجَزٌ	مَعْجِزٌ	مَعْجَزٌ	مَعْجَزٌ	يَعْجِزُ	عَجَزَ
	مَعْجِزَةٌ	مَعْجِزَةٌ	مَعْجِزَةٌ	مَعْجِزَةٌ		
زمان یا مکان هلاکت	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	يَهْلِكُ	هَلَكَ
زمان یا مکان ملامت کردن	مَعْتَبَةٌ	مَعْتِبَةٌ	مَعْتِبَةٌ	مَعْتِبَةٌ	يَعْتِبُ	عَتَبَ
زمان یا مکان گذاشتن	مَوْضِعٌ	مَوْضِعٌ	مَوْضِعٌ	مَوْضِعٌ	يَضَعُ	وَضَعَ
زمان یا مکان ترسیدن	مَوْجَلٌ	مَوْجَلٌ	مَوْجَلٌ	مَوْجَلٌ	يَوْجَلُ	وَجَلَ

### تنبیه:

مَعْجِزٌ بِتَاءٍ: از فعل عَجَزَ، مَعْجِزٌ بدون تاء تأنیث و مَعْجِزَةٌ با تاء تأنیث شنیده شده است.

مَفْعَلٌ مِنْ ضَعٍ وَمِنْ وَجَلًا: مَفْعَلٌ از فعل وَضَعَ و از فعل وَجَلَ.

۹۷. مَعَهَا مِنْ أَحْسَبٍ وَضَرْبٍ وَزُنُّ مَفْعَلَةٍ مَوْقَعَةٌ كُلُّ ذَا وَجْهَاهُ قَدْ حُمِلَا  
 ۹۸. وَالْكَسْرَ أَفْرِدُ لِمَرْفِقٍ وَمَعْصِيَةٍ وَمَسْجِدٍ مَكْبُرٍ مَأْوٍ حَوَى الْإِبِلَا

۹۷. همراه آن‌ها(یی که ذکر شد) از حَسَبٍ و ضَرْبٍ و وَقَعَ وزن مَفْعَلَةٍ (می‌آید)،  
 همه‌ی این‌ها به دو وجه حمل کرده‌اند (یعنی علما از عرب نقل کرده‌اند).  
 ادامه‌ی کلمات دو وجهی که در این بیت آمده است:

فعل	فعل	مصدر	مصدر	اسم زمان و	اسم زمان و	معانی آن‌ها
ماضی	مضارع	قیاسی	سماعی	مکان	مکان سماعی	
حَسِبَ	يَحْسِبُ	مَحْسَبَةٌ	مَحْسَبَةٌ	مَحْسَبَةٌ	مَحْسَبَةٌ	زمان یا مکان گمان بردن
ضَرَبَ	يَضْرِبُ	مَضْرِبَةٌ	مَضْرِبَةٌ	مَضْرِبَةٌ	مَضْرِبَةٌ	زمان یا مکان زدن
وَقَعَ	يَقَعُ	مَوْقَعَةٌ	مَوْقَعَةٌ	مَوْقَعَةٌ	مَوْقَعَةٌ	زمان یا مکان افتادن

۹۸. و کسر (عین الفعل) را تنها بیاور برای: مَرْفِقٍ، مَعْصِيَةٍ، مَسْجِدٍ، مَكْبُرٍ و مَأْوٍ  
 مکانی که شتران را در خود جمع می‌کند.

### شرح:

مصادر میمی و اسم‌های زمان و مکانی که سماعی‌اند و فقط به کسر عین الفعل آمده‌اند  
 ۱۸ کلمه‌اند. ناظم رحمه الله آن‌ها را به ترتیب زیر بیان کرده است:

فعل	فعل	مصدر میمی، اسم	معنای مصدر	معنای اسم زمان و مکان
ماضی	مضارع	زمان و مکان سماعی		
رَفَقَ	يَرْفُقُ	مَرْفِقٌ	مهربانی کردن	مکان یا زمان مهربانی کردن
عَصَى	يَعْصِي	مَعْصِيَةٌ	نافرمانی کردن	مکان یا زمان نافرمانی کردن
سَجَدَ	يَسْجُدُ	مَسْجِدٌ	سجود کردن	مکان یا زمان سجود کردن
كَبِرَ	يَكْبُرُ	مَكْبُرٌ	بزرگ شدن، پیرشدن	مکان یا زمان بزرگ شدن
أَوَى	يَأْوِي	مَأْوٍ	ماندن شتران در جایگاه‌شان	مکان یا زمان ماندن شتران در جایگاه‌شان

**تنبیه:**

**مَأْوٍ حَوَى الْإِبِلَا:** اگر منظور از **أَوَى يَأْوِي**، مأوا گرفتن شتران در جایگاهشان باشد، مصدر میمی و اسم زمان و مکان آن شاذ و فقط به کسر عین الفعل می‌آید.

اما اگر منظور (**أَوَى يَأْوِي الرَّجُلُ الْبَيْتَ أَوْ إِلَى الْبَيْتِ**)، مأوا گرفتن شخص در خانه باشد در این صورت طبق قیاس بر وزن **مَفْعَلٍ** یعنی: **مَأْوَى** می‌آید. به همین سبب ناظم رحمه الله (**حَوَى الْإِبِلَا**) را قید آورد.

## ۹۹. مِّنْ اٰثُوْرٍ وَّاغْفِرُوْا وَّعٰذِرُوْا وَّاحِمٍ مَّفْعِلَةٌ وَّمِنْ رَّزَا وَاَعْرِفِ اٰظُنُّنْ مَنَّبِتٍ وَّصِلَا

۹۹. از ماضی: اَوَى، غَفَرَ، عَذَرَ، حَمَى و از رَزَا، عَرَفَ، ظَنَّ و نَبَتَ، (مصدر میمی و

اسم زمان و مکان) مَفْعِلَةٌ می آید. (این موارد را به بیت بعدی) وصل کن.

ادامه‌ی کلمات یک وجهی که در این بیت آمده است:

معنای اسم زمان و مکان	معنای مصدر	مصدر میمی، اسم زمان و مکان سماعی	فعل مضارع	فعل ماضی
مکان یا زمان مهربانی کردن	عطوفت و مهربانی کردن	مَأْوِيَةٌ	يَأْوِي	أَوَى
مکان یا زمان آمرزیدن	آمرزیدن	مَغْفِرَةٌ	يَغْفِرُ	غَفَرَ
مکان یا زمان معذور دانستن	معذور دانستن	مَعْدِرَةٌ	يَعْدِرُ	عَذَرَ
زمان یا مکان منع کردن	سر باز زدن از کاری، منع کردن	مَحْمِيَةٌ	يَحْمِي	حَمَى
زمان یا مکان رسیدن مصیبت	مصیبت رسیدن	مَرَزِيَةٌ	يَرِزُّ	رَزَا
زمان یا مکان شناختن	شناختن	مَعْرِفَةٌ	يَعْرِفُ	عَرَفَ
زمان یا مکان گمان بردن	گمان بردن	مَظْنَةٌ	يَظُنُّ	ظَنَّ
زمان یا مکان روئیدن	روئیدن	مَنَّبِتٌ	يَنَّبِتُ	نَبَتَ



۱۰۰. بِمَفْعِلٍ اشْرُقَ مَعَ اغْرُبٍ وَاسْقُظْنَ رَجَعَ أَجْ - زُرْتُمْ مَفْعَلَةً اُقْدِرُوا اشْرُقْنَ نُحْلَا

۱۰۱. وَاقْبُرُوا مِنْ أَرْبٍ وَتَلَّتْ أَرْبَعَهَا كَذَا لِمَهْلِكِ التَّثْلِيثِ قَدْ بُدِلَا

۱۰۰. بِمَفْعِلٍ اشْرُقَ مَعَ اغْرُبٍ وَاسْقُظْنَ رَجَعَ أَجْ - زُرْتُمْ .....

ادامه‌ی کلمات یک وجهی که در این بیت آمده است:

معنای اسم	معنای مصدر	مصدر میمی، اسم	فعل	فعل
زمان و مکان	مصدر	زمان و مکان سماعی	مضارع	ماضی
مکان یا زمان طلوع	بالا آمدن، طلوع کردن		مَشْرِقُ	شَرَقْتُ
مکان یا زمان غروب	دور شدن، غروب کردن		مَغْرِبُ	عَرَبْتُ
مکان یا زمان افتادن	افتادن		مَسْقُطُ	سَقَطْتُ
مکان یا زمان بازگشتن	بازگشتن		مَرْجِعُ	رَجَعْتُ
مکان یا زمان ذبح کردن	ذبح کردن، سر بریدن		مَجْزُرُ	جَزَرْتُ

۱۰۰..... ثُمَّ مَفْعَلَةٌ اقْدُرْ وَاشْرُقَنْ نُحْلَا

۱۰۱. وَاقْبُرْ وَمِنْ أَرْبٍ وَتَلَّتْ أَرْبَعَهَا كَذَا لِمَهْلِكِ التَّثْلِيثِ قَدْ بُدِلَا

سپس (بعد از آنچه ذکر شد) مَفْعَلَةٌ (مثلث العین) را به قَدَر، شَرَق، قَبَر و أَرْب (وصل کن).

نُحْلَا: (جمع آن چه که گذشت از اعتراض و انتقاد) پاک سازی شده است.

وَتَلَّتْ أَرْبَعَهَا: این چهار کلمه (قَدَر، شَرَق، قَبَر و أَرْب به فتح و ضم و کسر عین الفعل) مُثَلَّثَه کن.

كَذَا لِمَهْلِكِ التَّثْلِيثِ قَدْ بُدِلَا: همچنین به هَلَكَ مثلثه داده شده است.

### شرح:

مصادر میمی و اسم‌های زمان و مکانی که عین الفعل آن‌ها به سه وجه (مَفْعَل، مَفْعِل و مَفْعُل) آمده است هفت کلمه می‌باشد. از این تعداد، ابن مالک رحمه الله نام پنج کلمه را ذکر نمود که عبارتند از:

معانی آن‌ها	اسم زمان و مکان سماعی	اسم زمان و مکان قیاسی	مصدر سماعی	مصدر قیاسی	فعل مضارع	فعل ماضی
زمان یا مکان قدرت	مَقْدَرَةٌ	مَقْدِرَةٌ	مَقْدِرَةٌ	مَقْدَرَةٌ	يَقْدِرُ	قَدَرَ
	مَقْدَرَةٌ	مَقْدَرَةٌ	مَقْدَرَةٌ	مَقْدَرَةٌ		
زمان یا مکان نشستن به هنگام طلوع خورشید	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ	يَشْرُقُ	شَرَقَ
	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ	مَشْرِقَةٌ		
زمان یا مکان دفن کردن	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ	يَقْبُرُ	قَبَرَ
	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ	مَقْبِرَةٌ		
زمان یا مکان عاقل و ماهر و زیرک شدن	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ	يَأْرِبُ	أْرَبَ
	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ	مَأْرِبَةٌ		
زمان یا مکان هلاکت	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	يَهْلِكُ	هَلَكَ
	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ	مَهْلِكَةٌ		

اما دو فعلی که سه وجهی آمده اما ابن مالک نام آن دو را ذکر نکرد:

معانی آن ها	اسم زمان و مکان سماعی	اسم زمان و مکان قیاسی	مصدر سماعی	مصدر قیاسی	فعل مضارع	فعل ماضی
زمان یا مکان آسانی و توانگری	مَيْسِرَة مَيْسِرَة	مَيْسِرَة مَيْسِرَة	مَيْسِرَة مَيْسِرَة	مَيْسِرَة مَيْسِرَة	يَيْسِرُ	يَسَرَ
زمان یا مکان کاشتن	مَزْرَعَة مَزْرَعَة	مَزْرَعَة مَزْرَعَة	مَزْرَعَة مَزْرَعَة	مَزْرَعَة مَزْرَعَة	يُزْرِعُ	زَرَعَ

۱۰۲. وَكَالصَّحِيحِ الَّذِي أَلْيَا عَيْنُهُ وَعَلَى رَأْيٍ تَوَقَّفَ وَلَا تَعُدُّ الَّذِي نُقِلَا

۱۰۲. وَكَالصَّحِيحِ الَّذِي أَلْيَا عَيْنُهُ .....  
.....

و آن چه عین الفعل آن یائی باشد (مصدر میمی و اسم زمان و مکان آن) به مانند صحیح است. مانند:

ماضی	مضارع	مصدر میمی	اسم زمان و مکان
عَاشَ	يَعِيشُ	مَعَاشٌ	مَعِيشٌ
كَالَ	يَكِيلُ	مَكَّالٌ	مَكِيلٌ
بَاعَ	يَبِيعُ	مَبَاعٌ	مَبِيعٌ

حضرمی در فتح الأقفال می نویسد: این مذهب همان مذهب مشهور است. جوهری در صحاح نیز در ده موضع به آن اشاره کرده است. این قول، نظر به قیاس افکنده و اگر چه سماع بر خلاف آن بیاید.

مذهب دوم: فرد اختیار دارد که عین الفعل را فتحه یا کسره بدهد. ابن مالک این قول را در تسهیل آورده است. جوهری در عَابَ الْمَتَاعِ يَعْيبُ مَعَابًا و مَعِيبًا، به آن جزم نموده است. به دلیل این که آمدن آن به کسر، بسیار وارد شده است. مذهب سوم: بر سماع متوقف است. اگر عرب کسره داده آن را کسره می دهیم و اگر فتحه داده آن را فتحه می دهیم.

۱۰۲. ..... وَعَلَى رَأْيٍ تَوَقَّفَ وَلَا تَعُدُّ الَّذِي نُقِلَا

و بر رأی دیگر توقف کن و تجاوز نکن از آن چه نقل شده است.

### شرح:

بر رأی دیگر توقف کرده می شود و آن چه از عرب شنیده شد به آن عمل کرده می شود زیرا مصدر میمی و اسم زمان و مکان حَاصٌّ يَحْيِضُ، از عرب فقط حَيِضٌ شنیده شده در صورتی که مصدر میمی آن باید بر وزن: مَحَاضٌ بیاید.

## ۱۰۳. وَكَاسِمٍ مَّفْعُولٍ غَيْرِ ذِي الثَّلَاثَةِ صُغٍ مِنْهُ لِمَا مَفْعَلٌ أَوْ مَفْعِلٌ جُعِلَا

**۱۰۳.** همان گونه که از ثلاثی غیر مجرد، اسم مفعول ساخته می‌شود به همین روش مصدر و اسم زمان و مکان بساز.

### تنبیه:

منظور از مَفْعَلٌ یا مَفْعِلٌ در این بیت، مصدر و اسم زمان و مکان است. وزن بیت به ابن مالک اجازه نداد که نام مصدر و اسم زمان و مکان بیاورد در نتیجه از این دو کلمه استفاده کرد.

### شرح:

مصدر میمی و اسم زمان و مکان از ثلاثی مزید، رباعی مجرد و مزید همانند اسم مفعول ساخته می‌شود و این معناست که آن‌ها را از همدیگر متمایز می‌سازد. مانند: أَكْرَمَ يُكْرِمُ:

اسم مفعول آن می‌شود، مُكْرَمٌ: گرامی داشته شده

مصدر میمی آن می‌شود، مُكْرِمٌ: گرامی داشتن

اسم زمان و مکان آن می‌شود، مُكْرَمٌ: زمان یا مکان گرامی داشتن